

آن سوی اصل لذت

تألیف
زیگموند فروید

ترجمه
میثم بازانی



فهرست مطالب

۵.....	پیش‌گفتار مترجم.....
۷.....	پیش‌گفتار ویراستار.....
۸.....	ضمیمه‌هایی بر نظریهٔ رؤیاها.....
۱۱.....	فصل یکم.....
۱۷.....	فصل دوم.....
۲۵.....	فصل سوم.....
۳۳.....	فصل چهارم.....
۴۵.....	فصل پنجم.....
۵۷.....	فصل ششم.....
۷۷.....	فصل هفتم.....
۸۱.....	واژه‌نامهٔ توصیفی.....
۹۳.....	واژه‌نامهٔ انگلیسی به فارسی.....
۹۳.....	واژه‌نامهٔ فارسی به انگلیسی.....

پیش‌گفتار مترجم

کتاب *آن سوی اصل لذت* در زمره آثار مهم و تحول‌آفرین زیگموند فروید به شمار می‌رود؛ تا حدی که آن را گام واپسین در تکامل دیدگاه‌های فراروان‌شناختی او دانسته‌اند. فروید پیش‌تر الگوی لذت/بی‌لذتی را پذیرفته و آن را مبنای نظریه‌پردازی‌های خود قرار داده بود. در این کتاب به ناسازگاری ظاهری مسائلی مانند واکنش منفی به درمان، تکرار جبرآمیز رویدادهای ترومایی، مازوخیسم و سادیسم و مشکلاتی مانند اعتیاد با اصل لذت می‌پردازد. او با بازبینی مفاهیمی مانند «اجبار به تکرار»، طرح نظری جدیدی را می‌افکند و دوگانه بنیادی مهمی میان رانه‌های مرگ و رانه‌های زندگی پیش می‌کشد که تعارض میان آنها نقش تعیین‌گری در کارکرد روان آدمی دارد. مبنای ترجمه حاضر متنی است که در جلد هجدهم مجموعه آثار زیگموند فروید به زبان انگلیسی چاپ شده است. آن سوی لذت بیانگر دیدگاه‌های فراروان‌شناختی و فلسفی فروید است و خوانندگان ممکن است آن را دشوار و دیریاب بیابند. در ترجمه حاضر سعی شده است که ضمن وفاداری به متن ترجمه انگلیسی از زبانی ساده استفاده شود. همچنین برای پاره‌ای اصطلاح‌ها چون «Id»، «Ego»، «Superego»، «Narcissism» و «Libido» که برای مخاطبان روان‌کاوی آشنا تلقی می‌شود، از انتخاب برابرنشین فارسی پرهیز شد. به سرانجام رسیدن این کار با رجوع به ترجمه ارزشمند دکتر محمد مبشری بر این اثر از زبان آلمانی، چاپ‌شده در شماره نهم فصلنامه فرهنگی-اجتماعی سخن سیاووشان، میسر شد. برای فهم بهتر متن، واژه‌نامه‌ای توصیفی پیرامون اصطلاح‌های مهم متن، با بهره‌گیری از کتاب فرهنگ «زبان روان‌کاوی»، اثر لاپلانچس و پونتالیس¹ تهیه شد که در پایان کتاب آمده است. امید است ترجمه حاضر مقبول نظر خوانندگان محترم واقع شود. دریافت بازخورد خوانندگان و شنیدن نکات و نظرات ایشان مایه خرسندی است.

1. Laplanche, Jean, and Jean-Bertrand Pontalis. "The Language of Psychoanalysis, trans." Donald Nicholson-Smith (New York, 1973) 314 (1973).

پیش‌گفتار ویراستار

فروید نکاتی را به ویراست دوم افزود، ولی تغییرات بعدی قابل چشم‌پوشی است. ترجمه حاضر نسخه نسبتاً اصلاح‌شده نسخه سال ۱۹۵۰ است.^۱

همان‌طور که در مکاتبه فروید مشخص است، او کار پیش‌نویس ابتدایی آن سوی اصل لذت را در مارس ۱۹۱۹ شروع و گزارش کرد که در ماه می تمام شده است. او در همین ماه مقاله خود با عنوان «امر غریب» (۱۹۱۹) را تمام کرده بود که چکیده کتاب حاضر در پاراگرافی از آن در قالب چند جمله بیان شده است. او در این پاراگراف «اجبار به تکرار» را پدیده‌ای توصیف می‌کند که در رفتار کودکان و درمان روان‌کاوی نمایش داده می‌شود؛ او بیان می‌کند که این اجبار از اساسی‌ترین ماهیت رانه‌ها برمی‌خیزد؛ و به قدری نیرومند است که اصل لذت را نادیده بگیرد. با وجود این، این اشاره غیرمستقیمی به «رانه‌های مرگ» است. او می‌افزاید که پیش‌تر توضیح مبسوطی بر موضوع ارائه داده است. مقاله «امر غریب» که این چکیده را دربردارد، در پاییز ۱۹۱۹ چاپ شد. اما فروید آن سوی اصل لذت را یک سال دیگر عقب انداخت. او در نیمه نخست سال ۱۹۲۰ بار دیگر بدان پرداخت، و آن زمان برای نخستین بار در نامه‌ای به ایتینگون به تاریخ بیستم فوریه اشاره آشکاری به «رانه‌های مرگ» وجود داشت. او در می و ژوئن هنوز در حال بازبینی اثر بود و در نهایت در میانه‌های جولای ۱۹۲۰ تمامش کرد. فروید در نهم سپتامبر سخنرانی‌ای با عنوان «ضمیمه‌هایی بر نظریه رؤیاها» (*ergänzungen zur Traumlehre*) در کنگره روان‌کاوی بین‌المللی در هاخ داشت و در آنجا انتشار کتاب در آینده نزدیک را اعلام کرد که پس از مدت کوتاهی منتشر شد. «چکیده» این سخنرانی در *Int. Z. Psychoanal* 6(1920)، 8-397 چاپ شد. ترجمه آن در *Int. J. Psycho-anal* 1 (354) چاپ شد. معلوم نیست که این چکیده از

1. 1950 beyond the pleasure principle. London: Hogarth Press and Institute of psychoanalysis

خود فروید باشد، ولی بازنشر آن در اینجا (با ترجمه‌ای نو) می‌تواند مفید واقع شود.

«ضمیمه‌هایی بر نظریه رؤیایا»

«سخنران در سخنان کوتاه خود به سه موضوع پیرامون نظریه رؤیایا پرداخت. دو مورد نخست به این نظر مربوط می‌شد که رؤیایا ارضای میل هستند و دست به پاره‌ای اصلاحات ضروری در آن زد. موضوع سوم به مسئله‌ای اشاره داشت که تأیید کاملی بر رد اهداف «آینده‌نگرانه» برای رؤیایا از سوی او ارایه کرد.^۱

«سخنران توضیح داد که صرف نظر از رؤیایای میل‌آمیز و رؤیایای اضطرابی که به آسانی در این نظریه می‌گنجد، مبنای محکمی داریم که طبقه سوم را در نظر بگیریم که من آن را «رؤیایای تنبیه» می‌نامم. اگر فرض توجیه‌پذیر وجود نوعی کارگزار خودنگر و نقاد را در ایگو (ایگو-آرمان، سانسور، وجدان) در نظر آوریم، این رؤیایای تنبیه هم باید ذیل نظریه ارضای میل دسته‌بندی شوند؛ زیرا بیانگر ارضای میلی از طرف این کارگزار نقاد هستند. او گفت که این رؤیایا تقریباً همان رابطه‌ای را با رؤیایای میل‌آمیز معمول دارند که علایم روان‌نژندی و سواسی برخاسته از واکنش‌سازی با علایم هیستری دارد.

«با وجود این، از نظر سخنران، طبقه دیگری از رؤیایا، یعنی رؤیایای ارضای امیال، بیانگر استثنای واضح‌تری برای این قاعده هستند. این رؤیایا، رؤیایای «ترومایی» نامیده می‌شود. اینها در بیمارانی اتفاق می‌افتند که از حوادث رنج دیده‌اند، اما در جریان روان‌کاوی روان‌نژندان نیز واقع می‌شوند و تروماهای فراموش‌شده کودکی را تجدید می‌کنند. سخنران برای انطباق این دسته از رؤیایا با نظریه ارضای امیال، به اثری با عنوان آن سوی اصل لذت اشاره کرد که به زودی چاپ می‌شود».

«بخش سوم گفته‌های سخنران به پژوهشی از دکتر وارندونک از گنت مربوط

۱. [به تعبیر رؤیایا، ۱۹۰۰، ۴ (۱)، مجموعه آثار؛ ۵، ۷-۵۰۶ نگاه کنید.]

می‌شد که هنوز چاپ نشده است. این پژوهشگر موفق شده است که محصول خیال‌پردازی‌های ناآگاه را در مقیاسی وسیع، در حالتی نیم‌خواب به مشاهده آگاهانه درآورد؛ جریانی که او آن را «اندیشیدن درخودمانده» توصیف می‌کند. این پژوهش نشان می‌دهد که اندیشیدن در مورد احتمالات روز بعد، کوشش‌هایی آمادگی‌بخش جهت حل مشکل و سازگاری و... همگی در دامنه فعالیت پیش‌آگاه قرار دارند که افکار نهفته رؤیا را نیز می‌آفریند، و همان‌طور که سخنران همواره بیان کرده است، ارتباطی با کار رؤیا ندارد^۱.

شاید آن سوی اصل لذت در میان نوشتارهای فراروان‌شناختی فروید، مرحله نهایی دیدگاه‌های او در نظر گرفته شود. او پیش‌تر توجه‌ها را به «اجبار به تکرار» به عنوان پدیده‌ای بالینی جلب کرده بود، ولی در اینجا ویژگی‌های رانه را بدان نسبت می‌دهد؛ همچنین در اینجا برای نخستین بار دوگانه جدیدی میان اروس و رانه‌های مرگ مطرح می‌کند که در *ایگو و اید* (۱۹۲۳) به‌طور کامل بسط پیدا کرد. افزون بر اینها، ما در آن سوی اصل لذت نشانه‌هایی را از تصویری جدید از ساختار کالبدی ذهن مشاهده می‌کنیم که در تمام نوشتارهای بعدی فروید اهمیت پیدا می‌کند. در نهایت، مسئله ویرانگری که در آثار نظری او نقش مهم‌تری به خود گرفت، نخستین جلوه‌هایش را در اینجا نشان می‌دهد. اقتباس عناصری از آثار فراروان‌شناختی پیشین او-برای مثال، «دو اصل کارکرد ذهنی» (۱۹۱۱)، «پیش‌درآمدگی بر نارسسیسم» (۱۹۱۴) و «رانه‌ها و سرنوشت‌های آنها» (۱۹۱۵)-در مبحث حاضر آشکار است. با وجود این، نکته ویژه درخور توجه، نزدیکی میان بخش‌های ابتدایی این کتاب و پیروی آن از «طرحی بر روان‌شناسی علمی» (۱۹۵۰) است که فروید پیش‌نویس آن را بیست‌وپنج سال قبل، در سال ۱۸۹۵ نوشته بود.

بخش‌هایی از ترجمه پیشین این اثر (۱۹۲۲) در گزینش کلیاتی از آثار زیگموند فروید (۱۹۳۷، ۱۶۲-۱۹۴) از سوی ریچمن آمده است.

۱. پیش‌گفتار فروید بر این کتاب در جلد هجدهم مجموعه آثار یافت می‌شود.

فصل یکم

در نظریه روان‌کاوی، ما در این فرض تردید نمی‌کنیم که اصل لذت مسیر روندهای روانی را به‌طور خودکار تنظیم می‌کند. به بیان دقیق‌تر، ما اعتقاد داریم که تنش لذت‌گشی جریان این روندها را تحریک می‌کند و سپس این جریان مسیری را دنبال می‌کند که نتیجه نهایی آن با کاهش تنش، یعنی با پرهیز از بی‌لذتی یا تولید لذت، همراه می‌شود. ما با لحاظ کردن این جریان در تبیین فرایندهایی ذهنی مورد مطالعه خویش، دیدگاه «اقتصادی» را در کارمان وارد می‌کنیم و من فکر می‌کنم اگر بکوشیم در کنار عوامل «مکان‌نگر» و «پویشی»، این عامل «اقتصادی» را نیز در توصیف آن فرایندها لحاظ کنیم، کامل‌ترین توصیف را در مورد آنها به دست داده‌ایم و سزاوار است که آن را توصیفی «فراروان‌شناختی» قلمداد کنیم.^۱

در حین انجام این بررسی چندان اهمیت نمی‌دهیم که با [جعل] فرضیه اصل لذت چقدر به یک نظام فلسفی خاص و دارای سابقه تاریخی نزدیک شده‌ایم یا آن را پذیرفته‌ایم. تلاش جهت توصیف و تبیین واقعیت‌های حاصل از مشاهده روزانه در حوزه مطالعاتی‌مان، ما را به این فرضیه‌های مبتنی بر گمان رهنمون شده است. تقدم و بدیع بودن جزو اهدافی نیست که کار روان‌کاوی خود را بدان ملزم بدانند؛ و اندیشه‌های زیربنای فرضیه اصل لذت به قدری واضح هستند که به سختی می‌توان از آنها چشم پوشید. از طرف دیگر، ما قردان هر نظریه فلسفی یا روان‌شناختی می‌شویم که بتواند در مورد چستی احساس لذت و بی‌لذتی که چنین آمرانه بر ما تأثیر می‌گذارند، اطلاعاتی به دست دهد. اما در این برهه دست‌مان خالی است و راهی برای رسیدن به هدف خود نمی‌شناسیم. این بخش غامض‌ترین و دسترس‌ناپذیرترین منطقه ذهن است و چون نمی‌توانیم از مواجهه با آن پرهیز کنیم، به نظرم به احتمال فرضیه

۱. [به بخش پنجم «ضمیمه ناآگاه» (۱۹۱۵) رجوع کنید].

منعطف‌تر بهترین فرضیه خواهد بود. ما تصمیم گرفته‌ایم که لذت و بی‌لذتی را به مقدار تهییجی که در ذهن وجود دارد ولی به هیچ طریقی «محدود نمی‌شود»، مرتبط بدانیم^۱؛ و چگونگی این ارتباط را چنین می‌دانیم که بی‌لذتی با افزایش مقدار این تهییج و لذت با کاهش آن متناظر است. منظورمان از این گفته، ارتباطی ساده میان نیرومندی احساس لذت و بی‌لذتی و کاستی و فزونی‌های متناظر در مقدار تهییج نیست؛ به‌طور ویژه ما-بر مبنای دیدگاهی که همه در سایکوفیزیولوژی آموخته‌ایم-هیچ نسبتی از رابطه‌ای مستقیم را متصور نمی‌شویم؛ به احتمال میزان افزایش یا کاهش در مقدار تهییج در یک دوره زمانی خاص عامل تعیین‌کننده احساس است. آزمایش می‌تواند در اینجا نقش مهمی داشته باشد، اما برای ما روان‌کاوان شایسته نیست تا زمانی که مسیرمان توسط مشاهدات به‌طور قطعی هموار نشده، به این مسئله وارد شویم^۲.

با این حال، نمی‌توانیم نسبت به کشف پژوهشگر برجسته‌ای چون گ. ت. فشنر در مورد مسئله لذت و بی‌لذتی بی‌اعتنا بمانیم که از تمام ابعاد اساسی با دیدگاه مطرح‌شده در کار روان‌کاوانه ما همسویی دارد. نظر فشنر در اثر کوتاهی به نام «چند فرض در مورد تاریخ آفرینش و رشد و تحول ارگانسیم‌ها»^۳ (بخش یازدهم، ضمیمه، ۹۴)، یافت می‌شود و چنین است؛ «از آنجا که تکانه‌های آگاه همیشه با لذت و بی‌لذتی ارتباط دارند، می‌توان لذت و بی‌لذتی را با وضعیت‌های ثبات و بی‌ثباتی روانی-بدنی مرتبط در نظر گرفت. این موضع مبنایی برای فرضیه‌ای فراهم می‌کند که من در جای دیگری به تفصیل بدان پرداخته‌ام. بر مبنای این فرضیه، هر جنبش روانی-بدنی که از آستانه

۱. [شاید مبسوط‌ترین بحث مربوط به مفاهیم «مقدار» و تهییج «محدودشده» که در سراسر نوشته‌های فروید دیده می‌شوند، در «طرحی [از روان‌شناسی علمی] (۱۹۵۰) [۱۸۹۵]» دیده شود. به‌طور خاص، به بحث طولانی دربارهٔ واژه «محدود شدن» در اواخر بخش یکم قسمت سوم این اثر رجوع کنید. همچنین ص ۴۹ را در زیر ببینید.]

۲. [این نظر در ادامه، در ص ۶۶ دوباره مطرح می‌شود و در «مسئله اقتصادی مازوخیسم» (۱۹۲۴) دستخوش تحول بیشتری می‌شود.]

3. Einige Idem zur Schöpfungs- und Entwicklungsgeschichteder Organismen